



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

۲۱۱

برای

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

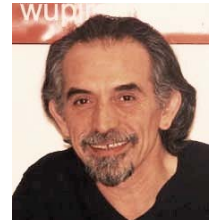
سر دبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۱۳ جولای ۲۰۱۱ - ۲۲ تیر ۱۳۹۰



حذف چند صفر ... از واحد پولی کشور؟ اهداف و پی آمدها

صفحه ۵

علی جوادی



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور



کدام نفوذی، کدام اپوزیسیون؟

صفحه ۷

پدرام نو اندیش

دورنمای

تحولات سیاسی ایران

یورش به خانه های مردم، به دنبال بشقابهای ماهواره!

صفحه ۶

لیلا احمدی

بیمارستان فارابی کرمانشاه

دستمزدهای معوق، اعتراض پرستاران

صفحه ۶

لیلا احمدی

کارگران تونل مترو، شرکت جهان کوثر

اخراج از کار، 5 ماه دستمزد معوق!

اخراج کارگران کارخانه
مادیران!

کارگران سپهر
سیستم هوشمند

دو ماه دستمزد معوق،

کارکنان موسسه زبان
ایران کانادا

2 ماه دستمزد معوق!

یاد رفقای جان باخته

جمال ارژنگ

بحران مزمن و حاد جمهوری اسلامی و بن بست راه
حلهای درون حکومتی همواره سوال آینده تحولات
سیاسی ایران را باز گذاشته است. اگر از عده ای مهجور
سیاسی بگذریم که در احمدی نژاد و سران اوباش سپاه
پاسداران سیمای رضا خان میرینج و آتاتورک و یک
پروسه جذب در اقتصاد جهانی سرمایه داری را موعظه
میکنند، جنبشهای سیاسی و طبقاتی اصلی در ایران
همچنان بر راه حلهای خود تاکید میکنند. رویدادها و
تحولات دو سال اخیر در ایران و همینطور خیزشهای
انقلابی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، اگرچه برای
عده ای به بازبینی افقها و روشهای کلاسیک منجر شد،
اما این چیزی جز سردرگمی سیاسی در دورانی نبود که
شتاب سیاست تند میشود. کماکان قوانین پایه ای بهبود و
تغییر در اوضاع چه در بالا و چه در پایین خود را
دیگته میکنند. در این میان آنچه تغییر کرده است پس
رفتن و بن بست و شکست قطعی برخی راه حلها و
امکان عینی عروج راه حلهای دیگری است که تا مدتی
پیش "آرزو" و "اتوپی" معرفی میشدند.

اوضاع حکومت اسلامی

۱- موقعیت اقتصادی:

بحران حکومت اسلامی نه فقط تخفیف پیدا نکرده است
بلکه در قلمروهای مختلف تشدید شده است و مسئله بقای
حکومت را به یک سوال مرگ و زندگی روزمره برای
کل حکومت اسلامی تبدیل کرده است. در قلمرو
اقتصادی امروز صحبت کردن از
صفحه ۲

دورنمای

تحولات سیاسی ایران ...

"بحران اقتصادی" صرف بشدت مبهم و غیر واقعی است. اقتصاد ایران به همان اندازه دچار بحران نیست که مثلا اقتصاد کشورهای مشابه. بحران اقتصادی جهانی و تحریمهای اقتصادی بعنوان فاکتورهای در تشدید بحران اقتصادی حکومت اسلامی عمل کرده اند اما منشا بحران کنونی نیستند. اقتصاد ایران در یک فلج و بن بست قدیمی قرار دارد که سیاست اقتصاد گانگستری و مافیائی و سیاست از این ستون به آن ستون دوره زیادی قادر به پانسمان زخمهای عمیق این اقتصاد نیست. هر بررسی صرفا اقتصادی جمهوری اسلامی و ورنه انداز کردن مجموعه شاخص های اقتصادی، نشان میدهد که اقتصاد ایران در آستانه یک فروپاشی تمام عیار اقتصادی است. بیکاری گسترده، تورم خطرناک، گرانی تمام عیار اقتصادی، مایحتاج پایه ای مردم، بحران ورشکستگی بانکی، کاهش مرتب ارزش ریال، توقف تولید و بسته شدن بیش از نیمی از صنایع، احساس ناامنی عمومی اقتصادی و ریختن اعتماد سنتی به سیستم موجود، فساد فوق برنامه و بی حد و حصر، و ... جانی برای مانور حکومت در قلمرو اقتصاد باقی نمانده. سیاست حذف سوبسیدها و هزینه ای که در این مسیر صرفه جوئی میشود در قیاس با این وضعیت و نیازهایی که اقتصاد ایران برای یک تحرک جدی لازم دارد، دردی از اقتصاد ورشکسته و بیمار جمهوری اسلامی درمان نمیکند.

۲- موقعیت سیاسی و فرهنگی:

جمهوری اسلامی ناتوان از هر درجه گشایش سیاسی و فرهنگی است. بقای جمهوری اسلامی همواره سوال اول حکومت است و تمام تلاشهای داخلی و منطقه ای و بین المللی برای این صورت

میگیرد که خطر سرنگونی بویژه در اوضاع ملتهب منطقه از جمهوری اسلامی دور شود. هر گشایش سیاسی در ایران مستلزم یگ گشایش اقتصادی و دادن امتیازاتی به طبقه کارگر و بخش محروم جامعه است. از آنجا که چنین امتیازی و حتی وعده دادن چنین امتیازی در قدرت جمهوری اسلامی نیست، به طریق اولی گشایش سیاسی نیز منتفی است. گشایش فرهنگی نیز با سد ایدئولوژی اسلامی و منافع خیل وسیعی از خشکه مقدس های حکومتی برمیخورد. هزینه ای که حکومت اسلامی برای تحمیل قوانین ارتجاع اسلامی به جامعه صرف میکند- و البته جواب نمیدهد- وسیع و نجومی است. جمهوری اسلامی برای بقای خود و سرکوب مخالفین و حتی سرکوب پاره های تن خود ناچار است مرتبا تکنولوژی سرکوب و قدرت نیروی سرکوب را رشد دهد. موقعیت سیاسی جمهوری اسلامی در داخل هر روز تیره تر و لاجرم بقای حکومت متکی به نیروی سرکوب و حکومت نظامی اعلام نشده و مستمر است. جمهوری اسلامی از نظر سیاسی و فرهنگی نمیتواند در مقابل مردم عقب بنشیند چون عقب نشینی در بالا به تهاجم در پائین منجر خواهد شد. جمهوری اسلامی حتی اگر بخواهد نمیتواند از بنیانهای ایدئولوژیک خود کوتاه بیاید، چون با ریختن هر دیوار کل عمارت اسلامی سقوط میکند.

۳- سیاست خارجی

حکومت اسلامی در قلمرو دیپلماسی و سیاست خارجی در یکی از بدترین دوره های خود بسر میبرد. هیچ زمان انزوی

جمهوری اسلامی تا این حد عمیق نبوده است. نه فقط به لیست تروریستها و تحت تعقیب ها و ممنوع السفرها و بلوک حسابهای بانکی اضافه شده است، بلکه دستگاه دیپلماسی حکومت دچار یک فلج شده است. سیاست خارجی ای که هر روز حکومت اسلامی را در قلمرو منطقه ای و جهانی منزوی تر و لاجرم متکی به تروریسم و قلدری و موشک و اتم بازی میکند، نمیتواند حتی در چهارچوب یک بده بستان سیاسی و اقتصادی نیمه معمولی با دولتها قرار گیرد. فلج سیاست خارجی حکومت و انزوی بیش از پیش رژیم اسلامی، ادامه تعمیق بحران در قلمرو اقتصاد و سیاست و فرهنگ و یک گوشه بحران همه جانبه حکومت اسلامی است.

۴- جدال و جنگ جناح ها

جدال درون حکومتی جدید نیست و عمری به سابقه جمهوری اسلامی دارد. اما ماهیت این جدالها در هر دوره فرق داشته و ضرورتا ادامه یک خط مستقیم منافع سیاسی و اقتصادی و جناحی نبوده است. ثقل جدال امروز در ایران برسر بقای حکومت و برون رفت از مجموعه معضلاتی است که رژیم اسلامی با آن روبرو است. پروسه حذف باند احمدی نژاد ماهیتا همان منطقی را داراست که به حذف اصلاح طلبان حکومتی و دیگر باندهای درون حکومت اسلامی منجر شد. تصویر این جدالها با عبارات و کدهای اسلامی و همینطور تبلیغات کاذبی که تلاش دارد از نفرت مردم برای خود دستمایه سیاسی درست کند نیز همواره وجود داشته اند. همین کسانی که امروز در مورد "بد حجابی" و اعمال شدیدتر قوانین ارتجاع اسلامی در مجلس برسر و صورت هم میگویند، توسط خودشان در کمپین های نمایش انتخاباتی و غیره به وسعت اتخاذ شده است. "خارج" سازی در جنگ جدالها یک اسم رمز برای تلاشی است که در دنیای واقعی با سد مناسبات قدرت و اصل حاکمیت جمهوری اسلامی برخورد میکند. این جدال تا پایان عمر جمهوری اسلامی وجود خواهد داشت و در اشکال و صیفندی های جدیدی تکرار خواهد شد.

۵- رابطه مردم و حکومت

جمهوری اسلامی علیرغم ماهیت فوق ارتجاعی اش و از آنجا که محصول سرکوب خونین یک انقلاب است ناچار است مرتبا روی بسیج مردم و کسب فرمال مشروعیت سیاسی تلاش کند. جدال جناح ها یک انعکاس بلافصل تشدید تخاصم مردم با حکومت است. نخواستن جمهوری اسلامی و تشدید بحران بقا سرمنشا اصلی این جدالهاست که در هر دوره با معضلات جدیدی ترکیب میشود. رابطه مردم با حکومت مرتبا و در پس هر دوره حاکمیت باندهای حکومتی وخیم تر شده و به یک نخواستن عظیم شکل داده است که سر منشا جنبشهای خیابانی و اعتراضات گسترده کارگری و دانشجویی و تقابل روزمره زنان و جوانان با حکومت بوده است. جامعه ایران و بخشهای مختلف آن، اگرچه با نقطه عزیمت های متفاوت، حکومت اسلامی را نمیخواهند. حکومت ناچار است این نخواستن را با سرکوب سیاسی پاسخ دهد. امری که در هر دوره اشکال انفجاری تری بخود میگیرد و با روشهای سابق قابل ادامه نخواهد بود. معضلات جمهوری اسلامی در صورتی امکان حل و یا به تعویق انداختن داشت که اولاً حکومت میتوانست مردم را در سیاست صبر و انتظار نگهدارد، و ثانيا در وضعیت بلافصل و فوری اقتصادی مردم تغییراتی ایجاد کند. چون این مطلقا ممکن نیست، تشدید این بحران نیز اجتناب ناپذیر است. جمهوری اسلامی از این نظر از کشورهایائی مانند عربستان عقب تر است.

راه حلها و چه باید کرد؟

۱- اصلاحات:

در ایران اصلاح طلب دولتی نداریم. واژه اصلاح طلبی در ایران مانند بسیاری از عبارات و مقولات دیگر وارونه است. اصلاح طلب حکومت اسلامی نه میتواند اصلاحات را تعریف کند و نه میتواند آنرا اجرا کند. اصلاحات در ایران اسم رمز بقای

دورنمای

تحولات سیاسی ایران ...

جمهوری اسلامی، اسم رمز مقابله با سرنگونی طلبی و نخواستن مردم، اسم رمز بهبود رابطه با غرب و وعده ایجاد تسهیلات برای سرمایه داران، و اسم رمز تعریف قواعد بازی در میان پیروان ولی فقیه و خمینی و معتقدان به نظام مرتجع اسلامی است. اصلاحات اسلامی و درباری در دوره دو خرداد شکست خورد و ما بارها و قبل از نمایش انتخابات سال ۸۸ تاکید کرده بودیم که "این نوار قابل تکرار نیست" و تکرار نشد. تلاش اخیر خاتمی و بخشی از اصلاح طلبان برای جا دادن مجدد خود در سر سفره "رهبر معظم" و عجز و لایه در بارگاه خامنه ای بدرستی بیانگر ماهیت اصلاح طلبی اسلامی است. امری که موجبات انتقاد و انشقاق بیشتر در اردوی جنبش ملی اسلامی را فراهم کرده است. تلاش حکومت برای جدا کردن اصلاح طلبان و "اعلام برائت از سران فتنه"، چیزی جز ادامه سیاست "جذب حداکثری و حذف حداقلی" خامنه ای نیست. سیاست خامنه ای بخطر کردن همه زیر پرچم خودش است. استراتژی اصلاح طلبی برای بقای نظام شکست خورده و تمام شده است. تردیدی نیست مادام که جمهوری اسلامی باقی است بحث اصلاح جمهوری اسلامی هم وجود دارد اما دیگر بازیگری در تعیین سیاست ایران نیست.

۲- رفلوشن

شکست و بن بست اصلاح طلبی، اردوی اصلاح طلبی را در حکومت و اپوزیسیون چند شقه کرده و عده ای به "راه سوم" موهومی رو آورده اند. اصلاح طلبانی که خواهان رفرم اند اما میخواهند رفرم را به روشهای انقلابی و البته مسالمت آمیز متحقق کنند: رفلوشن! برخی ناظران سیاسی و فعالین جنبش

عنوان رفلوشن گرفت به این دلیل بود که بدرجه ای مردم را بعنوان نیروی فشار برای کنار زدن دولت موجود بکار گرفتند. این سناریو در ایران غیر عملی است به این دلیل ساده که ایران نه روسیه است و نه صفتبندی سیاسی مشابه با کشورهای بلوک شرق بعد از فروپاشی را دارد. همینطور این جریانات توان بمیدان آوردن مردم و کنترل آنها برای اهداف مورد نظرشان را ندارند. نمیتوان مردم را به عمل انقلابی کشید و در نیمه راه متوقف شان کرد. همانطور که نمیتوان کمی اصلاحات کرد و سوت پایان بازی را کشید. رفلوشن بویژه در ایندوره، تداوم نفرت ارتجاع از انقلاب و تغییرات بنیادی است. نقطه عزیمت رفلوشن شکست سیاست اصلاح رژیم اسلامی، تداوم نگرانی از انقلاب و "خشونت مردم"، و اعمال فشار حقانیت خیزشهای انقلابی در مصر و تونس و کشورهای منطقه است. رفلوشن در ایران محصول بن بست و شکست استراتژی سیاسی اصلاح طلبی و انشقاق در صفوف اردوی ملی اسلامی و یک عقب نشینی تاکتیکی در برابر عمل انقلابی است. همینطور طرفداران رفلوشن بیشتر نیروئی هستند که خود را برای ایجاد اصلاحات بعد از جمهوری اسلامی و تحت زعامت غرب آماده میکنند. این نیروها فعلا از اصلاح طلبان حکومتی و یا بخشی از آنها حمایت میکنند اما با تغییر تناسب قوا و مسجل شدن رفتن جمهوری اسلامی، به نیروی ضربه گیر انقلاب و چلبی ها و غنوشی ها و عمر سلیمان های ایران متحول خواهند شد.

۳- رژیم چنج، رفراندم، انتخابات آزاد

در هر دوره با شکست استراتژی اصلاح طلبی زمینه برای تحرک جریانات طرفدار حمله نظامی به ایران و سناریوهای دست راستی بیرون حکومتی مهیا میشود. امروز و با قبول شکست استراتژی اصلاح از درون، عده ای به اعمال فشار و تغییرات از بیرون امید بسته اند. سناریوهای قلبی "دولت در تبعید"، "انتخابات آزاد زیر نظارت نهادهای بین الملل" و یا "رفراندم" و غیره، جملگی بر یک فرض نانوخته متکی

است: یا جمهوری اسلامی در آستانه سقوط زیر فشار بین المللی عقب نشسته و مثلا خامنه ای استعفا داده است و یا از صحنه خارج شده است، و یا خود خامنه ای و سران حکومت اسلامی تحت شرایطی به برگزاری رفراندم و یا انتخابات آزاد رضایت داده و راسا آنرا برگزار و به نتیجه آن رضایت میدهد! این توهمات مزمن که ناشی از بی خطی جریانات راست و مرکز در اپوزیسیون ایران است بارها امتحان شده و شکست خورده است. بویژه نمونه عراق و افغانستان و امروز لیبی و فردا سوریه، کسی را متمایل به این هجویات سیاسی نمیکند. تمام این شعارها اگر قرار است به درجه ای تحقق یابند یکی دو شرط ناقابل دارند: اول، حمله نظامی به ایران صورت گیرد. آنهم نه در ابعاد حمله به مراکز و تاسیسات هسته ای بلکه در مقیاس عراق و افغانستان و اشغال نظامی ایران توسط ناتو. یعنی سیاست رژیم چنج نوع بوش و نئوکنسرواتورها در دستور قرار گیرد. دوم، این زمانی ممکن میشود که مردم ایران دچار استیصال سیاسی شوند، امیدی به تغییرات از درون و متکی به نیروی خود نداشته باشند و از سر ناچاری حاضر باشند به هر سناریویی برای رهائی از جمهوری اسلامی تن دهند. امروز یک طیف وسیع اعم از راست پرو غربی تا اصلاح طلبانی که از دایره قدرت به بیرون پرتاب شدند تا موئتلفین آنها در جنبش ملی اسلامی به این سناریو دخیل بسته اند. ممکن است بسیاری از اینها ظاهرا مخالف حمله نظامی به ایران باشند اما تحقق استراتژی "انتخابات آزاد" برای این طیف از درون جمهوری اسلامی در نمی آید و فشار غرب اعم از نظامی و سیاسی و دیپلماتیک ارکان اساسی تحقق این استراتژی است. اما برای اصلاح طلبان طرفدار خامنه ای بحث "انتخابات آزاد" روی دوم سکه بحث "اصلاحات دینی" و "مردمسالاری دینی" است. این دسته خواهان آزادی احزاب ممنوع شده اسلامی، دایر شدن رسانه ها و

دورنمای

تحولات سیاسی ایران ...

روزنامه های توقیف شده اسلامی، و سعه صدر خامنه ای برای اجرای انتخاباتی است که مجموعه باندهای حکومت اسلامی در آن شرکت کنند.

۴- سرنگونی و انقلاب

امروز بیش از هر زمان مطلوبیت سرنگونی جمهوری اسلامی بعنوان پیش شرط تحقق هر درجه از حق و آزادی خود را تثبیت کرده است. نه فقط نتایج سرنگونی از بالا توسط ناتو و آمریکا در عراق و افغانستان و لیبی، بلکه بن بست اصلاح طلبی اسلامی و ناتوانی اپوزیسیون راست از ارائه راه حلی مستقل، و مهمتر رویدادهای انقلابی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، حقانیت و مطلوبیت راه حل سرنگونی انقلابی را به جلوی صحنه رانده است. رویدادهای ایران بدنیاال انتخابات و نفس نیازهای مبارزه سیاسی، بسرعت جامعه را به اتخاذ عمل انقلابی سوق داد. این مقطعی بود که از موسوی تا کل اردوی ملی اسلامی و حتی راستها در نفی "خسونت" روضه خواندند. عمل انقلابی در جامعه جملگی این جماعت را روی ماهیت طبقاتی و ضد انقلابی شان متحد کرد.

اما انقلاب نه امری دستوری و یا تبلیغ این و آن حزب بلکه یک واقعیت عینی در جامعه است. تصمیم جامعه برای عبور از یک حکومت و در دستور قرار دادن امر سرنگونی آن، محصول به نتیجه رسیدن روندهائی قدیم تر است. انقلاب وقتی حادث میشود که برون رفت از بحران به روشهای سابق ممکن نیست. سرنگونی انقلابی وقتی در دستور قرار میگیرد که باز کردن افق انقلاب علیه کل وضع موجود هیچ مجرای دیگری ندارد. این سیاست، یعنی سرنگونی انقلابی و درهم شکستن قوه قهریه حکومت، بویژه با اتفاقات منطقه محتمل ترین سناریویی است که میتواند در ایران و در ابعاد گسترده تر و پخته تری تکرار شود. بدرجه ای که سرنگونی جمهوری اسلامی بدون سازش با ارکان اساسی این نظام صورت گیرد، به همان درجه زمینه متحول شدن نفی جمهوری اسلامی به یک انقلاب کارگری و سوسیالیستی بیشتر است. انقلاب کارگری در هر حال انقلابی سازمانیافته و آگاهانه توسط یک جنبش و حزب سیاسی کمونیستی

کارگری در چهارچوب شرایط انقلابی و یکدوره انقلابی است که در گام اول خود تومار رژیم اسلامی را برچیده باشد. چه باید کرد امروز ایران جز این نیست. جامعه به هر روشی متکی شود، هر درجه از تجارب منطقه ای و جهانی الهام گیرد، نهایتا ناچار است مانع اول آزادی را درهم بکوبد. این امر نه با "گل دادن به نظامیان"، نه با شعار "سپاه و ارتش برادر ماست"، نه با التماس برای سر عقل آوردن ولی فقیه و یا قانونیزه و مدنیزه کردن خامنه ای محقق نمیشود. هدف انقلابی به عمل انقلابی و سازمان انقلابی و رهبری انقلابی نیاز دارد. باید نیازهای این مبارزه را پاسخ داد. هر درجه توهم به راه حلهای ضد جامعه نتیجه ای جز سفت کردن بندهای اختناق نخواهد داشت. طبقه کارگر، کمونیستها، زنان و نسل جدید آزادیخواه، برای تحقق اهدافشان ناچارند مانع جمهوری اسلامی را کنار بزنند و برای تحقق اهداف شان ناچارند اساس تبعیض و ستم و نابرابری یعنی نظم و مناسبات سرمایه را درهم بکوبند.

چشم اندازهای کوتاه مدت

جمهوری اسلامی با دولت احمدی نژاد دچار تکانهای شدید میشود. بازی موش و گربه در دالانهای امنیتی رژیم اسلامی بسرعت تمام میشود. تمهیدات برای رونق بخشیدن به مضحکه انتخاباتی و آب توبه ریختن برسر اصلاح طلبان طرفدار ولایت مطلقه فقیه به جانی نمیرسد. اوضاع با محاسبات

تحلیلگران جمهوری اسلامی پیش نخواهد رفت و فرصتی برای مانور و وقت خریدن نیست. فشارها بر جمهوری اسلامی از هر منفذی بویژه در قلمرو اقتصاد تشدید خواهد شد. اوضاع به سمت شرایط ویژه سیر میکند. این حکومت رفتنی است. امکان فروپاشی و به جان هم افتادن آنها کم نیست. امکان دست زدن باندهای حکومتی به عملیات تروریستی و درگیری نظامی برای حاشیه ای کردن مسائل داخلی کم نیست. هیچ درجه سازش و بند و بست موقتی با غرب نمیتواند راه برون رفت از بحران را ترسیم کند و در این مسیر دست جمهوری اسلامی بسته است. اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی کنونی خود را در انفجار اعتراضات و شورش ها نشان خواهد داد. اعتراضاتی که نه به موسوی و شرکا و نه به احمدی نژاد و مشائی و نه به جمهوری اسلامی متکی خواهد شد. دوره پایان جمهوری اسلامی شروع شده است. کارگران و رادیکالها و انقلابیون باید در صف اول برای سرنگونی رژیم اسلامی قرار گیرند. اما جدالهای اساسی تر تازه بعد از سرنگونی آغاز میشود. جنبش کمونیستی کارگری در صف اول مبارزه برای سرنگونی شرکت میکند اما چشمش به انقلاب کارگری است. برای ما پیروزی در این جدال در گرو بمیدان آمدن طبقه کارگر با پرچم سوسیالیستی اش است. *

۱۳ جولای ۲۰۱۱

تمام فلاسفه تاکنون جهان را تفسیر کرده اند،

حال آنکه مسئله بر سر تغییر آنست!

کارل مارکس

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون "خطر"

سوسیالیسم، به چه منجلابی تبدیل میشود!

منصور حکمت



علی جوادی

حذف چند صفر ... از واحد پولی کشور؟ اهداف و پی آمدها

دولت حاکم را با خود حمل میکند و از آن تاثیر میپذیرند. در حال حاضر دولت به بانکها مبلغی معادل ۵۰ میلیارد دلار بدهکار است و به قول خودشان توان بازپرداخت آن را هم ندارد. مبلغی که بزرگترین بانکهای جهانی را هم به ورشکستگی خواهد کشاند. هیچ بانکی در چنین شرایطی بدون تزریق حجم عظیمی از سرمایه و یا چاپ اوراق بهادار و پول بدون پشتوانه قادر به بقاء نخواهد بود.

۳- عکس العمل دولت احمدی نژاد به بحران بانکی مانند واکنش هر دولت سرمایه داری دیگری است. به راه حل های کلاسیک بورژوازی در قبال معضل بحران بانکی و بحران اقتصادی متوسل شده اند. محورهای سه گانه راه حل های کنونی ارائه شده عبارتند از: ۱- حذف سوبسیدهای دولتی، ۲- شناور کردن نرخ برابری ریال و دلار و ۳- حذف سه صفر و یا چهارصفر از واحد پول کشور. احمدی نژاد قبلا اعلام کرده بود: "ما میخواهیم واحد پول را تغییر دهیم. ... صفرها را برداریم و ارزش ریال را واقعی کنیم. ... ارزش دلار هفت هزار تومان است و نه هزار تومان." این سیاست ها در سطح جهانی به عنوان راه حل های کلاسیک سرمایه رقابتی در مواجهه با بحران اقتصادی و مالی شناخته شده اند. نسخه ای است که هر مشاور تازه فارغ التحصیل و از راه رسیده سرمایه آنها را توصیه و تجویز میکند. سیاست ریاضت اقتصادی، تحمیل بار بحران بر دوش توده های مردم کارکن و زحمتکش نام واقعی و دیگر این آلترناتیوها است. بی جهت نبود که صندوق بین المللی پول در یک بازبینی "اقتصادی" به تمجید از تلاشهای احمدی نژاد در تحمیل سیاست ریاضت کثی اقتصادی بیشتر به جامعه پرداخت.

۴- ثمرات اقتصادی چنین راه حل هایی روشن اند: تحمیل فقر و فلاکت بیشتر نتیجه مستقیم این سیاستهای اقتصادی است. حذف سوبسیدها بزرگترین چپاول ثروت اجتماعی زندگی مردم و قرار دادن ماحصل این دزدی اجتماعی در دست دولت و باندها و بنگاههای

اخیرا بانک مرکزی رژیم اسلامی اعلام کرده است که دولت طرح حذف چهار صفر از واحد پولی کشور را تهیه کرده است و به زودی پس از نهایی شدن برای تصویب به مجلس ارسال خواهد کرد؟

این اقدام گوشه ای از اقدامی است که دولت برای مقابله با بحران بانکی و ورشکستگی بانکها و سقوط ارزش واحد پولی کشور تهیه کرده است. پیش از این نیز با اعمال سقف محدودیت جابجایی ۱۵ میلیون تومان در روز به بهانه "مبارزه با پولشویی" که یک واکنش رژیم اسلامی به معضل ورشکستگی دو بانک بزرگ "ملی" و "ملت" بود، تلاش کردند تا با این معضل مالی رژیم مقابله کنند. مجلس اوباش رژیم اسلامی هم اعلام کرده بود که "به بررسی بحران بانکی کشور می پردازد". محمود بهمنی رئیس کل بانک مرکزی وضعیت بانکهای کشور را چنین توصیف کرده بود: "بانکها در شرایط فعلی سود نمی برند... مگر میشود با وجود ۴۸۰۰۰ میلیارد تومان مطالبه معوقه در پایان سال سود داشت؟"

بانکهای رژیم اسلامی هم به سرنوشت خود رژیم دچار شده اند. بحران سرپای آنها را فرا گرفته است. اشاره ای کوتاه به دلایل، راه حل ها، پی آمدها و همچنین آلترناتیو ما در قبال این وضعیت ضروری است. ذکر نکاتی در زمینه اهداف و پی آمدهای این طرحها ضروری است.

۱- زمینه ها و دلایل عمومی بحران بانکی در رژیم اسلامی

متفاوت طبقه حاکم است. خودی هایشان اعلام کردند که در سال اول انجام این پروژه ضد انسانی بیش از دهها میلیارد دلار بر هزینه زندگی مردم زحمتکش اضافه خواهد شد. در نتیجه اجرای این طرح قیمت برخی از اقلام به سرعت رو به افزایش گذاشت. قبضهای آب و برق و گاز چند برابر شد. از طرف دیگر شناور کردن نرخ برابری ریال و دلار و کاهش نرخ برابری ریال منجر به افزایش سریع قیمت کالاها در جامعه خواهد گشت. در جامعه ای که قیمت اقلام کالاها مورد نیاز مردم عملا معادل قیمت این کالاها در سطح جوامع غربی است، حداقل دستمزد معادل یک دلار در ساعت است، فقر و فلاکت گسترده همه جانبه نتیجه مستقیم این سیاستها خواهد بود. به این وضعیت باید مساله حذف چهار صفر از واحد پول را نیز اضافه کرد. اگر چه به لحاظ ریاضی تغییر واحد پول نباید در خود منجر به افزایش قیمتها شود اما تجربه عملی کنونی نشان داده است که در پس تغییر و تبدیل واحد ارزی نیز سرمایه داران و صاحبان کالاها همواره زمینه ای برای سود آوری بیشتر و افزایش قیمت کالاها و چپاول دسترنج مردم زحمتکش پیدا کرده اند.

۵- اما اهداف رژیم اسلامی تنها محرکه های اقتصادی چنین اقداماتی نیستند. رژیم اسلامی اهداف سیاسی روشن و داده شده ای را در این چهارچوب دنبال میکند. به زانو در آوردن اقتصادی طبقه کارگر و مردم کارکن هدف دیگر چنین اقداماتی است. این سیاست در کنار سیاست سرکوب

حذف چند صفر ... از واحد پولی کشور؟ اهداف و پی آمدها ...

وحشیانه و کشتار و شکنجه مردم ایزاری دیگر برای حفظ و بقای رژیم آدمکشان اسلامی است. سیاستهایی که در عین حال تماما ورشکستگی و لاعلاجی خود را در مواجهه با توده های مردم به پا خواسته به نمایش گذاشته اند.

۶- بحران اقتصادی رژیم لاعلاج است. گوشه ای از بحران همه جانبه رژیمی است که از حوزه انباشت و سرمایه گذاری جهان خارج است، امکان و توان حل بحرانهای اقتصادی اش را نظر به موقعیت سیاسی خود در منطقه و جهان ندارد. در مقابل توده های مردمی قرار دارد که حکم به سرنگونی اش دادند و اکنون درگیر بزرگترین اعتراضات اجتماعی در طول سه دهه گذشته برای بزیر کشیدنش هستند. واقعیت این است که هرگونه راه حل اقتصادی و یا بهبودی عملا به پس از جمهوری اسلامی موکول شده است. این راه حل ها میتوانند سرمایه دارانه و یا سوسیالیستی باشند. اما هر گونه راه حل بورژوازی متضمن تداوم فقر و فلاکت و محرومیت اکثریت عظیم توده های کارگر و مردم ستمدیده است.

تنها آلترناتیو رهائیبخش سوسیالیسم و درهم شکستن نظام سرمایه داری و مناسبات استثمارگراییه ای است که نظام کارمزدی بر آن استوار است. و این مطلوب ترین راه پایان دادن به بیش از سه دهه حاکمیت کثیف هیولای اسلامی و نظام سرمایه داری است.

راه حل بحران بانکی رژیم اسلامی از نقطه نظر ما سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و نابودی نظام کارمزدی و استثمارگراییه و استقرار فوری یک نظام آزاد سوسیالیستی است. نظامی که هدف فعالیت اقتصادی اش نه تولید سود و انباشت سرمایه بلکه رفع نیازمندیهای متنوع و گسترده همگان است.*

کرمانشاه

یورش به خانه های مردم، به دنبال بشقابهای ماهواره!

لیلا احمدی

طی چند روز اخیر از جانب مزدوران سرکوبگر حکومت اسلامی به بهانه جمع آوری آنتن ها و گیرنده های ماهواره تهاجم گسترده ای به زندگی خصوصی مردم در شهر کرمانشاه و شهرستانهای اطراف شروع شده است. اوباش نیروی انتظامی در دسته های چندین نفره و مسلح به انواع سلاح سرد و گرم و باطوم با توسل به ارباب و خشونت وارد منازل مردم شده و پس از تهدید و تفتیش اقدام به ضبط و شکستن آنتن های ماهواره مینمایند.

در این روزها خانه ها و زندگی خصوصی مردم در مناطق خیابان کسری، شهرک ژاندارمری، شهرک الهیه و دادگستری، محله 22 بهمن و گلستان و بسیاری مناطق دیگر از جانب گزمه های خود فروش حکومت وحوش اسلامی بشدت مورد تهاجم و تفتیش قرار گرفته است. بنا به اخبار در موارد زیادی جوانان و مردم با روحیه بالا و رزمنده از باز نمودن درب منازل به روی ماموران حکومتی خودداری نموده و به مقابله و درگیری با ارادل حکومت اوباش اسلامی پرداخته اند. در بسیاری موارد پس از ضبط و انهدام گیرنده های ماهواره توسط اوباش اسلامی مردم اقدام به تهیه و جایگزینی دیشها و گیرنده های جدید نموده اند.

با اینحال و علیرغم اعتراض و انزجار عمومی تهاجم وحشیانه به خانه های مردم ادامه دارد. در چند روز گذشته نیز عوامل نیروی انتظامی به بهانه برخورد با فروشندگان گیرنده های ماهواره با حمله به پاساژ ولیعصر واقع در خیابان جلوخان اقدام به بازداشت و جریمه و تهدید تعدادی از مغازه داران و فروشگاهها نموده اند.

بیمارستان فارابی کرمانشاه

دستمزدهای معوق، اعتراض پرستاران

لیلا احمدی

بیش از 300 نفر از پرسنل و پرستاران زحمتکش بیمارستان فارابی کرمانشاه به دلیل کارشکنی و دزدی باند کرم سیما مدیر و حیدری مترون بیمارستان تا امروز مبالغ مربوط به اضافه کاری اردیبهشت و خرداد و همچنین کارانه 3 ماهه گذشته را دریافت نکرده اند. مبلغ اضافه کار پرستاران بطور متوسط از 100 تا 200 هزار تومان و کارانه ماهیانه هر پرستار حدود 30 هزار تومان میباشد.

اگر پرستاران به این مبالغ ناچیز نیازمند نبودند هرگز به فشار سنگین کاری و شب نخواستنیهای فرساینده تن نمی دادند. باند فاسد و دزد کرم سیما با عدم پرداخت دستمزدهای پرستاران و با سرمایه گذاری این مبالغ در حسابهای شخصی و بانکی خود در تبانی با بانکداران انگل و رشوه خوار از مزایا و امتیاز دریافت سود و وام و تسهیلات بانکی استفاده میکنند. علاوه بر این کرم سیما به دلیل فساد اخلاقی و با سواستفاده از موقعیت خود با توسل به حربه تهدید و فشار بارها تعدادی از پرستاران را در جهت مقاصد غیر اخلاقی خود تحت فشار قرار داده و این روزها با افشا دزدیها و فساد اخلاقی کرم سیما اوضاع و جو روانی حاکم بر بیمارستان علیه باند کرم سیما و علیه حکومت جنایتکاران اسلامی بشدت بحرانی و ملتهب شده است.

پرستاران معترض با نوشتن طومار و اعتراضات خود خواهان برکناری و برچیدن فوری بساط باند کرم سیما و حیدری شده اند. اما متأسفانه به دلیل روابط پنهانی این باند با نمایندگان مجلس و سران و کاربدستان حکومت علیرغم همه اعتراضات تاکنونی پرستاران به دلیل حمایت های همه جانبه حکومت اسلامی و دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه باند کرم سیما - حیدری همچنان با اطمینان خاطر به جنایت و دزدی و فساد خود ادامه میدهند.

کدام نفوذی، کدام اپوزیسیون؟

پدرام نو اندیش

رژیم جمهوری اسلامی حکومت عناصر جنایتکار و مزدوری است که وظیفه شان دفاع از نظام بردگی موجود است. همراه این حکومت بودن به معنی شریک بودن مستقیم در جنایت و باندبازی و یا اطلاع از جنایت و سکوت در مقابل آن است. عناصر حکومتی، افرادی با خصوصیات اشاره شده و گاه همزمان در چند پست و مقام، از ابتدای حکومت جانپان اسلامی در راس ارگانهای مختلف رژیم قرار گرفتند. هر زمان که بوی گند پرونده فساد و جنایت فوق برنامه حضرات فضا را پر میکند، به پشت صحنه میروند و جای خود را به جنایتکارانی دیگر داده اند. کارنامه افراد پیدا و ناپیدای حکومت در سه دهه گذشته مملو از جنایت است. همگی آنها برای بقاء رژیم اسلامی، برای استثمار کارگران و تهی دستان، در اعدام مخالفین سیاسی و کمونیستها، در تحمیل آپارتاید جنسی به جامعه، و در تحمیل هر چه بیشتر فقر و گرسنگی به اکثریت مردم شریک اند.

جوانان نسل امروز که به اقتضای سن شان، شاهد رویداد های سال 1357 نبوده اند، قاعدتا با اسامی کسانی چون صادق قطب زاده، سید مهدی هاشمی، بهشتی، چمران، و ... نمیتوانند زیاد آشنا باشند. اما همین نکته که نسل امروز بدانند آنان در شکل گیری حکومت، چه بسا نقش کلیدی هم ایفا کرده اند، کافی است تا همطراز با جنایت کارانی چون خامنه ای و احمدی نژاد و لاریجانی ها با نفرت یاد شوند.

با رجوع به مصاحبه سخنگویان در دستگاههای مختلف رژیم، در فاصله زمانی نه چندان دور، میتوان به نام هایی بر خورد کرد که این روزها رژیم اسلامی تاریخ مصرف آنها را تمدید کرده است.

"تشکیل دولت در تبعید" شرکت داشتند. و امروز که کوس رسوائی شان به صدا درآمده است، با دستپاچگی و در فقدان همکار و رئیس شان مدحی، اکنون برای توجیه و ضد عفونی کردن سر و وضع سیاسی شان در لندن با حق تام نماینده خودگمارده این و آن گرد هم آمده اند. کسانی همچون کریم بنی سعید عبدیان "نماینده خلق عرب"، ناهید بهمنی "نماینده زنان کردستان"، صدر اشرفی "نماینده ترکها"، عبدالله مهدی و خالد عزیزی و شاهو حسینی هم مثلا بعنوان "نماینده کردها"؟! نماینده رضا پهلوی، حسن شریعتمداری فرزند آیت الله شریعتمداری، محسن سازگارا، عنصر سرکوبگر در سپاه پاسداران که بدون شک با نوری زاده خوب از کارنامه رضا مدحی با خبر بوده اند و بالاخره نوری زاده دلالت که بارها معرف "سردار مدحی" بوده است.

این جماعت آرزوی ایفای نقش چلبی و بارزانی و طالبانی و کرزای و مقتدا صدر در ایران بر دلشان مانده است. اعتراض اینها به جمهوری اسلامی اینست که چرا سهم قدرت سیاسی و اقتصادی این خوانین و راهزنان سیاسی را نمیدهد. "خلق" و "ملت" برای این جماعت دکان است. دکانی که با ادعای نمایندگی خودگمارده آنها قرار است با بند و بست و توطئه علیه کارگران و مردم محروم ایران به نان و نوائی برسند. به همین دلیل با یک اشاره جمهوری اسلامی و یک دلالت دست چندم اش غش میکنند و هر بار سر از گندابی در می آورند. این جماعت حتی سیاستمدار بورژوا هم نیستند، بلکه نیروهای دست سازی هستند که هر کسی میتواند آنها را بخرد و در خدمت منافع خود بکار گیرد. داستان مدحی و اقتضاح همکاری این جماعت با اطلاعاتی ها نه اولین اسکاندال شان است و نه آخری. تئوری فدرالیسم قرار است این باندبازی را سیاست معنی کند و این بند و بست ها را سیاست ورزی!

ترکیب کسانی که در لندن گرد هم آمدند بخودی خود هیچ اهمیتی ندارد. اینها عمدتا نه نمایندگان ریشه دار بورژوازی ایرانند و نه حتی در



میان مردم مورد ادعایشان کسی جواب سلامشان را میدهد. این ترکیب جمع شدند چون بوی تشدید تقابل آمریکا با جمهوری اسلامی به مشامشان خورده است. اگر دور قبل ناامید شده بودند و بناچار خود را آویزان میر حسین و میر غضب های سابق جمهوری اسلامی کردند، حالا که اوضاع منطقه بهم ریخته و بحران رژیم تشدید شده، امیدوار شده اند و تمرین "دولت در تبعید" میکنند. شاید شبها خواب میبینند که غنوشی یا عمر سلیمان شدند و خطاب به مردم در تلویزیون الدرمد بلرمد میکنند! و باید تاکید کنیم که اقتضاح های این جماعت از سر فهمیدن و یا اشتباه کردن نیست، این سیاست واقعی شان است. جریانات دست ساز و باندهای سیاسی تنها به همین طرق میتوانند در سیاست دخالت کنند. تحقق آرزوی آنها در گرو حمله نظامی به ایران است. یعنی زمانی که مردم و "خلق" و "مذهب" و "قوم" ای که آنها "نمایندگی" میکنند از سیاست قیچی و دچار استیصال شده باشد. اما اگر این مردم مانند مصر و تونس و اسپانیا و فرانسه برخیزند، دکان سه نیش حضرات تخته میشود و بازار بورس سیاسی شان دچار سقوط آزاد میشود.

این ها همان کسانی هستند که در توهمات خود قصد داشته اند در یک اقدامی کودتا گرانه و از بالای سر کارگران و مردم آزادیخواه ایران، قدرت سیاسی را جابجا کرده و بین خود تقسیم کنند. این ها همان کسانی هستند که از به میدان آمدند رادیکال میلیونها نفر وحشت داشته و دارند. این ها همان مدافعین فدرالیسم یعنی نسخه جنگ

کارگران تونل مترو، شرکت جهان کوثر

اخراج از کار، ۵ ماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، ۳۰ نفر از کارگران شرکت جهان کوثر مجری احداث تونل مترو شریعتی - تجریش تهران، دستمزدهای ۵ ماه گذشته مربوط به بهمن و اسفند ماه و عیدی پایان سال گذشته و همچنین دستمزدهای فروردین، اردیبهشت و خرداد ماه امسال را دریافت نکرده اند. معظمی مدیر شرکت و چهره منفور و دزد ضد کارگری با کارشکنی و وعده های دروغین امروز فردا ۵ ماه است از پرداخت دستمزدها و عیدی پایان سال کارگران طفره رفته و حالا پس از ۵ ماه با بیشرمی و گستاخی به کارگران گفته است که در هفته آینده همه کارگران از کار اخراج و بیکار خواهند شد! علاوه بر این در ۵ ماه گذشته بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران مرحله به مرحله از کار اخراج شده اند.

نپرداختن دستمزدها و اخراج کارگران حربه کثیف سرمایه داران برای کسب سود بیشتر است. این دزدی آشکار و سیاست ضد انسانی سرمایه داران تحت حمایت همه جانبه ادارات کار و بیمه و دیگر ارگانهای حکومت جانین اسلامی صورت میپذیرد. سرمایه داران و عوامل کارفرما با یک دست بخشی از دستمزدهای پرداخت نشده کارگران را تحت عنوان رشوه به مزدوران حکومت اسلامی در ادارات کار و بیمه میدهند و با دست دیگر حمایتهای بیدریغ این ارگانهای جنایت و فساد را برای سرکوب و ماستمالی حق و حقوق کارگران دریافت میدارند.

یکی از کارگران میگفت: معظمی با پولهای میلیاردی که از طریق استثمار و ندادن دستمزدهای ما به جیب زده بیشتر عمرش را در دویی و کشورهای خارجی میگذراند. اگر ایران باشد هر چند روز سوار یک ماشین چند صد میلیونی میشود و ریخت و پاشها و زندگی بالای شهرش هم به جای خود. در مقابل ما کارگران ۵ ماه است دستمزدهای ۳۰۰ هزار تومانی مان را هم نداده اند با بدهکاری، با رنج فقر و محرومیت، و با اضطراب همیشگی از خطر اخراج زندگی را میگذرانیم. گرانی و تورم و حذف یارانه ها از جانب حکومت دزد، این هم مزید بر مشکلات شده است. نه پولی در بساط داریم و نه توانی برای خرید و تهیه مسکن و مایحتاج زندگی. زندگی ما کارگران در بحران و بن بست نابودی قرار گرفته است. خانواده هایمان دچار افسردگی شده اند و هیچ راهی برایمان باقی نمانده است. این سرنوشت تلخی است که سرمایه داران و حکومت اسلامیشان برای ما رقم زده اند.

شرکت جهان کوثر فعلا با ۳۰ نفر کارگر قراردادی (که تا چند روز آینده از کار اخراج خواهند شد)، با قراردادهای سفید امضا و ۳ ماهه، سابقه کاری از ۱ تا ۱۵ سال و دستمزدهای معوق ۳۰۰ هزار تومانی، ساعت کاری از ۳۰/۶ صبح تا ۶ عصر و انجام اضافه کاری اجباری تا شب و در ایام تعطیل، مجری احداث تونل مترو شریعتی - تجریش تهران میباشد. در چند ماه گذشته نیز بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران حتی بی آنکه دستمزدهای ناچیزشان را دریافت نمایند از کار اخراج شده اند. اکثر کارگران به دلیل کار طولانی در فضای آلوده تونل و شرایط غیر بهداشتی و نا ایمن کار به انواع بیماریهای تنفسی و ریوی مبتلا شده و در این روزهای سخت اخراج و سرگردانی و بیکاری و گرانی و تورم پولی هم برای معالجه در بساط ندارند و این یعنی حاکمیت اسلام و خدا و سرمایه داران طفیلی و انگل.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۱ تیر ۱۳۹۰ - ۱۲ جولای ۲۰۱۱

نه به تروریسم اسلامی، نه به تروریسم دولتی!

زنده باد آزادی، برابری و رفاه همگان!

کدام نفوذی، کدام اپوزیسیون...

داخلی و یا فاشیستهای ایرانی هستند که حتی همدیگر را در یک جلسه تحمل نمیکنند. این جماعت برخلاف ادعای پوچ "نمایندگی" شان هیچ ربطی به منافع میلیونها کارگر محروم و گرسنه در خوزستان، کردستان، آذربایجان و... ندارند. حتی بورژواها و بازاریهای این مناطق در سیمای این جماعت نماینده سیاسی خود را نمیبینند. اینها مدافع سرسخت تبعیض و نابرابری، فقر و گرسنگی و انقیاد زنان هستند.

از نظر مردمی که علیه جمهوری اسلامی اند، آن نفوذی و این اپوزیسیون پخمه به گذشته تعلق دارند. کمابیش از یک جنس اند. خودشان هم همین را میگویند و هنوز از مدحی دفاع میکنند. کنفرانس لندن نمایش پوسیدگی و مهجور بودن این اپوزیسیون مافیائی را روی صحنه آورد. کارگران و مردم آزادخواه ایران لازم است به هشدارها و تحلیل های کمونیسم کارگری در باره ماهیت و آینده این باندهای سیاسی توجه کنند. آنچه امروز اتفاق افتاده است، مستقل از افتضاح شخصی و گروهی حضرات، مهر تائیدی است بر ارزیابی و تحلیل کمونیسم کارگری از این جریانات و ضدیت شدیدشان با منافع و آزادی اکثریت عظیم مردم در ایران.

آزادی در ایران در گرو بمیدان آمدن طبقه کارگر با پرچم سوسیالیستی اش است. تنها این جنبش وسیع و میلیونی میتواند کل اردوی ارتجاع را جارو کند و یک دنیای دنیای آزاد، برابر، و مرفه را برپا کند.*

زنده باد جنبش مجامع عمومی!

زنده باد شوراهای کارگری!

کارگران! در اعتراضات

جاری به مجمع عمومی

متکی شوید! مجمع عمومی

تجمع طبیعی و ظرف اعمال

اراده مستقیم و مستمر توده

کارگران است!

اخراج کارگران کارخانه مادیران!

بنا به خبر دریافتی، طی چند روز گذشته 10 نفر از کارگران کارخانه مادیران از کار اخراج شده اند. عوامل کارفرما در جواب کارگران معترض دلیل اخراج را اتمام قراردادهای 3 ماهه و عدم نیاز کاری به آنها اعلام داشته اند! در فروردین ماه هم بنا به دستور امیری مدیر و مالک کارخانه بیش از 100 نفر از کارگران از کار اخراج شدند. هر یک از کارگران اخراجی دارای سابقه کاری از یک تا ده سال بوده و تا امروز اعتراض و شکایاتشان برای بازگشت به کار بی نتیجه مانده است. پیش از آغاز سال جدید قراردادهای کاری کارگران شش ماهه بود. اما از آغاز سال جدید تا امروز، قراردادهای موقت 3 ماهه اسم رمز اخراج کارگران بوده و همچنان خطر اخراج و بیکارسازیهای بیشتر که در راه است، شغل و زندگی و معیشت بیش از 800 نفر از کارگران کارخانه مادیران و خانواده های محرومشان را در معرض تهدید جدی قرار داده است.

یکی از کارگران میگفت: با این اخراجهای گسترده و کاهش تعداد کارگران فشار و ساعات کاری را بطرز وحشتناکی افزایش داده اند. اردوگاه کار اجباری، پادگان، اینجا از اینها هم بدتر شده، باید فشرده و سنگین و بلاوقفه کار کنی. عوامل کارفرما و دوربین های مدار بسته همیشه تو را کنترل میکنند، بخاطر دستشویی رفتن طولانی، بخاطر 5 دقیقه استراحت، حتی بخاطر کند بودن در کار و نداشتن سرعت کاری که خواست کارفرماست، و به هر دلیل مزخرفی همیشه کنترل و تهدید میشود. تهدید تا مرز اخراج و بیکاری!

اخراج و بیکاری برای کارگران و خانواده هایشان یعنی تحمیل فقر و فلاکت و محرومیت و گرسنگی بیشتر، یعنی زجر و تحقیر بیشتر برای لقمه نانی و برای زنده ماندن. اما اخراج کارگران برای سرمایه داران و حکومت اسلامیست مساویست با کاهش هزینه ها، خلاصی از شر کارگران قدیمی آگاه و معترض و موی دماغ و همچنین استثمار بیشتر کارگران شاغل و علاوه بر اینها بکارگیری کارگران جدید با دستمزدهای کمتر و افزایش فشار کاری بیشتر بر آنها. اخراج باید ممنوع باشد. کارفرما به هیچ دلیلی حق اخراج را نباید داشته باشد. اگر کار ندارند باید بیمه بیکاری مکفی بدهند.

در کارخانه مادیران واقع در هشتگرد کرج و دفتر مرکز در خیابان ولیعصر تهران و بخش صنایع و خدمات پس از فروش در خیابان تخت طاووس، بیش از 800 نفر کارگر قراردادی و سفید امضا با قراردادهای 3 و 6 ماهه (قراردادهای 3 ماهه فعلا خط قرمز کارگران اخراجی است) و دستمزدهای 330 هزار تومانی، ساعت کاری از 8 صبح تا 5 عصر و انجام اضافه کاری اجباری تا شب و در ایام تعطیل در ازای دستمزدهای بسیار ناچیز مشغول به کارند. کارخانه مادیران تولید و مونتاژ کننده انواع ماشینهای کامپیوتری و اداری از قبیل مانیتور کامپیوتر، فاکس، انواع چاپگر و ... بوده و طرف قرارداد معاملات تجاری کشورهای چین و کره و تایلند و ژاپن میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۷ تیر ۱۳۹۰ - ۸ جولای ۲۰۱۱

کارگران سپهر سیستم هوشمند

2 ماه دستمزد معوق، افزایش ساعت کار

بنا به خبر دریافتی، 10 نفر از کارگران شرکت سپهر سیستم هوشمند، علیرغم اعتراض و پیگیریهای مکرر تا امروز موفق به دریافت دستمزدهای اردیبهشت و خرداد ماه نشده اند. خدمتی مدیر شرکت به کارگران گفته است: نیست، ندارم، از کجا بیاورم، باید با این شرایط بسازید!

این روزها علاوه بر نپرداختن دستمزدها ساعت کاری کارگران را هم به مدت یکساعت افزایش داده اند. قبل از این ساعت کار کارگران از 8 صبح تا 5 عصر بود اما حالا با یک ساعت افزایش زمان کار اتمام کار ساعت 6 عصر اعلام و اجرا میشود. خدمتی در جواب اعتراض کارگران به افزایش ساعت کار گفته است: هدف ما افزایش بهره وریست!؟

یکی از کارگران میگفت: اگر پول ندارند که دستمزدهایمان را بدهند و این همه داد و فغان از بی پولی و کسادی، چرا کار میکنند؟ پس این همه فشار و افزایش ساعت کار برای چیست؟ جناب خدمتی چندان هم بیراه نمیگوید، با همه بلاهایی که برس ما کارگران و خانواده هایمان می آورد هدفش بهره وریست!! البته بهره وری به زبان آدمیزاد یعنی فقر و بدبختی بیشتر برای ما کارگران و افزایش سرمایه و سود بیشتر و بیشتر برای امثال خدمتی.

شرکت سپهر سیستم هوشمند با 10 نفر کارگر قراردادی با قراردادهای سفید امضا و 330 هزار تومانی و ساعت کاری 6 تا 8 عصر و اضافه کاری اجباری تا پاسی از شب سازنده انواع سیستمها و مدارهای الکترونیکی هوشمند بوده و دفتر شرکت در خیابان آزادی تهران واقع میباشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۱ تیر ۱۳۹۰ - ۱۲ جولای ۲۰۱۱

کارگر زندانی،

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



کتاب کنترل کارگری را از سایت

حزب دریافت و توزیع کنید!

کارکنان

موسسه زبان ایران کانادا

2 ماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، 80 نفر از کارکنان موسسه زبان ایران کانادا دستمزدهای 2 ماهه اردیبهشت و خرداد ماه خود را دریافت نکرده اند. اعتراض و پیگیریهای کارکنان و پرسنل زحمتکش این موسسه برای دریافت دستمزدهایشان بی نتیجه بوده و شریعتی پاسدار کمیته چی دیروز و مدیر فعلی موسسه به بهانه های واهی و وعده های دروغ امروز و فردا از پرداخت دستمزدها خودداری میکند.

یکی از کارکنان موسسه میگفت: همین شریعتی که قبلا پاسدار و آدمکش بوده و مسلمان هم تشریف دارند و سواد خواندن و نوشتن درستی هم ندارد، ماهیانه بطور متوسط بیش از 70 میلیون تومان فقط از این موسسه و با کار و زحمت ما به جیب میزند. 2 ماه است دستمزدهایمان را پرداخت نکرده، من و امثال من اجاره خانه هایمان پس افتاده و کلی قرض و بدهکاری هم بالا آورده ایم. همه اینها تا دیروز پاسدار بوده اند و آدم کشته اند و حالا در سایه همین حکومت جنایتکار اسلامیشان و با گرفتن امتیاز همه چیز، میلیارد میلیارد پول باد آورده را به جیب می زنند و به بهای رنج و محرومیت و گرسنگی و فقر و فلاکت ما و خانواده هایمان کاهی از ثروتهای افسانه ای برای خودشان ساخته اند.

موسسه زبان ایران کانادا واقع در تهران میدان ونک نبش گاندی دارای 80 نفر پرسنل بوده، کارکنان این موسسه با بیش از 4 سال سابقه کار فاقد هر نوع قرارداد کاری بوده و حتی از بیمه و برخی امتیازات ناچیز که بطور فرمایشی در قانون کار حکومت وحوش اسلامی آمده محروم میباشند. کار فشرده و طولانی در فضای رعب و وحشت حتی در جمعه ها و نپرداختن دستمزدهای اندک و ناچیز و انواع فشارها و تضییقات مذهبی خرافی روحیه اعتراضی کارکنان این مرکز را به مرز انفجار رسانده است. ساختمان و مجوز و امتیاز مرکز متعلق به سپاه پاسداران اوباش اسلامی بوده، پاسدار شریعتی مدیر موسسه و تعداد دیگری از فرماندهان سپاه پاسداران حکومت اسلامی ماهیانه صدها میلیون تومان از این مرکز به جیب می زنند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۱۹ تیر ۱۳۹۰ - ۱۰ جولای ۲۰۱۱

به یاد رفقای جان باخته

جمال ارژنگ



مناسب دیدم که به مناسبت 22 تیر 1362 یادی از سه پیکارگر کمونیست سوسن گل انصاری و ویکتوریا دولتشاهی و احمدعلی شیرازی داشته باشیم.

از زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی در ایران تاکنون سرکوب و زندان و شکنجه و ترور و کشتار انسانهای آزادیخواه و کسانیکه با تاجر اندیشه و عمل این حکومت گران کوچکترین مخالفتی را ابراز کرده اند، شهره عام و خاص است. از این جنبه تیرباران سوسن گل انصاری، ویکتوریا دولتشاهی و احمد علی شیرازی اقدامی منحصر به فرد محسوب نمیگردد. تیرباران سوسن و ویکتوریا و احمد در کارنامه سلسله کشتارها و قتل عامهای فعالین سیاسی و کمونیست ایران از جمله یکی از جنایتهای نابخشودنی رژیم محسوب میشود. در این سه دهه ابعاد جنایت رژیم بقدری فجیع و گسترده بوده است که باور کردن اش نیز برای کسی که در جهنم جمهوری اسلامی نبوده باشد، به همان اندازه غیرعادی و دردناک مینماید.

آری حکومت هدف اش تنها جان احمد، سوسن، ویکتوریا نبود بلکه هدف به بند کشیدن آزادی و سرکوب انقلاب بود. سرمایه داران رژیم اسلامی برای رسیدن به هدف شان از بکار گیری هیچ وسیله ای ابا نداشتند. از خرداد 60 تا کنون دهها هزار نفر به جرم دفاع از آزادی اندیشه و بیان، دفاع از حقوق کارگران، زنان، جوانان تحت ستم و استثمار کشتار شده اند و میلیونها نفر از خانه و کاشانه خود رانده شده اند. به همان جرمی که سوسن و ویکتوریا و علی را کشتند.

یادشان گرامی و راه سرخشان که همان انقلاب سوسیالیستی و برپائی يك دنیای بهتر است پر رهرو باد. این شعر را به این رفقا و تمامی جانبازگان به خون خفته راه آزادی و انقلاب کمونیستی تقدیم میکنم.



تنت پاره پاره دو چشمانت ستاره
از عشق بزرگ و سرخت نشانه داره
به رزم رفیقانت خاطره میاره
نشسته در خون تن تو گلگون
ز پیر هنت پرچم بسازم اکنون
تو زنده ای جان به خشم یاران
چون مشعلی روشن در سنگر رفیقان
گرفتم به آغوش تنت را دوباره
از اون خرمن آتش شعله ها می باره
شب سرد و تارم را کرده پر ستاره
به یادت ای جان همه رفیقان شراره
فروزانند کنون به میدان
سرود رفیقان سرودی خروشان

طنین دارد اینک در کوچه و خیابان خبر میدهد از مرگ سرمایه داران!

آکسیونهای حزب اتحاد کمونیسم کارگری

به مناسبت یادبود مبارزات جنبش دانشجویی و مردم علیه رژیم اسلامی در روز ۱۸ تیر ۲۰۱۱ آکسیون در جهت افشاکاری جنایات رژیم اسلامی با حضور جمعی از اعضای حزب و فعالین سیاسی شهر و پرچم و آند، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، مرگ بر جمهوری اسلامی و زنده باد سوسیالیسم برگزار شد. کریم نوری عضو کمیته مرکزی حزب در طول آکسیون چندین بار اتفاقات ۱۸ تیر ۷۸ را به زبان سوئدی برای رهگذران توضیح داد و از مردم خواست که پتیشن اعتراضی حزب را امضاء کنند.

فیروز سلیمانزاده از فعالین سوسیالیست در سخنرانی خود با اشاره به مبارزات جنبش دانشجویی در حکومت پهلوی و رژیم به افشاکاری جنایات هر دو رژیم پرداخت. نمایشگاه عکسی از مبارزات دانشجویی در ۱۸ تیر ۷۸، جنبش زنان، جنبش کارگری و اعدام نیز در معرض تماشای رهگذران قرار گرفت. آکسیون با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و تشکر کریم نوری از شرکت کنندگان پایان یافت.

همینطور در تورنتو کانادا، و لندن انگلستان بمناسبت سالروز ۱۸ تیر آکسیونهایی توسط واحدهای حزب برگزار شد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری - تشکیلات خارج کشور

۱۱ ژوئن ۲۰۱۱



کمونیسم کارگری

اصول اعتقادی و آرمان اجتماعی کمونیسم کارگری بر نقد ارکان اقتصادی و اجتماعی و فکری نظام سرمایه داری متکی است. نقدی از زاویه طبقه کارگر مزدی در این جامعه و به این اعتبار حقیقی و انقلابی. تلقی زحمتکشان و تولید کنندگان غیر پرولتر از آزادی و برابری و سعادت بشر، چه امروز و چه در جوامع پیشین، به ناگزیر انعکاسی از مناسبات اجتماعی حاکم بر جامعه و موقعیت خود آنان در رابطه با تولید و مالکیت است. تلقی برده از آزادی بناچار چندان از لغو برده داری فراتر نمیرفت و تجسم رعیت یا صنعتگر خرده پای شهری از برابری چیزی بیش از برابری در حق مالکیت نمیتوانست باشد. اما، با ظهور پرولتاریا بعنوان توده عظیم تولید کنندگان فارغ از هر نوع مالکیت و وسائل تولید، طبقه ای که اسارت و استثمار اقتصادی اش، دقیقاً بر آزادی حقوقی اش بنا شده است، افق آزادیخواهی و برابری طلبی از اساس دگرگون شد. پرولتاریا نمیتواند آزاد شود بی آنکه جامعه بطور کلی از مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و تقسیم طبقاتی رها شود. برابری امری نه صرفاً حقوقی، بلکه همچنین و در اساس اقتصادی - اجتماعی است.

کمونیسم کارگری جنبشی اجتماعی است که با ظهور سرمایه داری و طبقه کارگر مزدی شکل گرفت و عام ترین و عمیق ترین شکل انتقاد و اعتراض طبقه کارگر به نظام سرمایه داری و مصائب آن را نمایندگی میکند. اهداف و برنامه عملی این جنبش بر نقد مارکسیستی بنیادهای جامعه سرمایه داری معاصر، بعنوان آخرین، مدرن ترین و پیشرفته ترین شکل جامعه طبقاتی، مبتنی است. کمونیسم کارگری جنبشی اجتماعی است که با ظهور سرمایه داری و طبقه کارگر مزدی شکل گرفت و عام ترین و عمیق ترین شکل انتقاد و اعتراض طبقه کارگر به نظام سرمایه داری و مصائب آن را نمایندگی میکند. اهداف و برنامه عملی این جنبش بر نقد مارکسیستی بنیادهای جامعه سرمایه داری معاصر، بعنوان آخرین، مدرن ترین و پیشرفته ترین شکل جامعه طبقاتی، مبتنی است.

کمونیسم کارگری جنبشی جدا از کل طبقه کارگر نیست و منافع جدا از منافع کل طبقه کارگر دنبال نمیکند. تفاوت جنبش کمونیسم کارگری با سایر جنبشها و احزاب کارگری در اینست که اولاً، در مبارزه طبقاتی در هر کشور، پرچم وحدت و منافع مشترک کارگران سراسر جهان را بر میافرازد و ثانیاً، در مراحل و جبهه های مختلف مبارزه طبقه کارگر، مصالح کل جنبش طبقه کارگر را نمایندگی میکند. کمونیسم کارگری لاجرم جنبش پیشروترین بخش طبقه کارگر است که شرایط و ملزومات پیروزی و هدف نهایی مبارزه طبقاتی را بدرستی میشناسد و میکوشد بخش های مختلف طبقه کارگر را به میدان بکشد.

آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری میرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>
www.m-hekmat.com/

نه به اعدام!

"آیا لازم نیست در مورد وسایل تغییر آن نظامی که تمامی این جنایات را تولید میکند، عمیقاً اندیشید؛ تا اینکه آهنگ ستایش در باره جلا د سردهیم؛ همان جلادی که با اعدام یکدسته از جنایتکاران؛ جا را برای افراد بعدی باز میکند؟"

کارل مارکس

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!